

## دین و سرمایه اجتماعی

### چکیده

۳/۵ cm

دین به صورت بالقوه و بالفعل از طریق آموزه ها و اصول (معرفتی، اعتقادی، عاطفی و مناسکی) در قالب تحقق فرایندهای جمعی چون (وفاق، انسجام اجتماعی، اعتماد، صداقت، مشارکت، تعاون، احترام متقابل، رعایت ارزش ها، استمرار هنجارها، بازیابی اصول اخلاقی، و...) به تکوین سرمایه اجتماعی نظام اسلامی کمک می کند؛ بنابراین مذهب به عنوان نیرویی مثبت در جهت تکوین و توسعه سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شود. باتوجه به نقش دین در ایجاد سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی می توان اثرات، راهکارها و راهبردهای عملی این پدیده را در جامعه ایران از طریق همگرایی اجتماعی و فرهنگی افزایش داد، در این مقاله سعی شده با توجه به پیوند سرمایه اجتماعی با دین با تاکید بر تحقیقات انجام یافته به صورت اسنادی و مروری بر یافته های بدست آمده وضعیت پیوند جامعه شناختی دین اسلام و سرمایه اجتماعی را در جامعه اسلامی تشریح و تبیین نمود.

### واژه های کلیدی:

ارتباطات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، دین، سرمایه اجتماعی مشارکت اجتماعی، معرفت دینی

### ۱- مقدمه

۲/۵ cm

تکوین سرمایه اجتماعی در عصر حاضر یکی از بنیان های اساسی و با ثبات در حوزه برنامه ریزی ملت ها از دهه ۹۰ قرن بیستم به این سمت بوده است. این پدیده با ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) تغییرات مستقیم و غیر مستقیمی را بر ساختار جوامع بوجود می آورد. ارزیابی ها و پژوهش های مستمری که در این حوزه انجام شده بیانگر این است که یکی از پیش شرط های اساسی توسعه سرمایه اجتماعی در هر جامعه ای وجود اهتمام به دین بوده، که می تواند منجر به کاهش نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تغییر طرز تلقی ها و نگرش های عامه مردم، تحول نهادهای مدنی و ملی، و... گردد. ضرورت جامعه شناختی اهتمام به دین در پیوند با تکوین سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط پایدار، مشارکت بهینه، اعتماد مستمر، و تقویت شبکه های هنجاری می گردد؛ و در نهایت منافع متقابل افراد و جامعه را تامین خواهد کرد. بر این اساس دین و آموزه های آن به عنوان یکی از شاخص های تاثیرگذار بر تکوین سرمایه اجتماعی جامعه در راستای اجرای ارزش های متعالی با کارکردهایی چون انضباط بخشی، حیات بخشی، انسجام بخشی و... می تواند سازوکارهایی را در راستای پیشرفت پایدار جامعه در هر سطحی (محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی) بوجود آورد. بنابراین دین به عنوان عامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی با توجه به صبغه آن نقش بارزی بر فرآیند توسعه همه جانبه در جامعه ایران دارد، که در شرایط فعلی ایران حائز اهمیت است و برای روشن شدن آن شایان بررسی و تحلیل است.

هدف این مقاله براساس شیوه اسنادی، و مروری بر یافته های بدست آمده از پژوهش های انجام شده در دهه های اخیر در جامعه ارائه رهیافتی است که از یکسو دین را به عنوان نظامی کثیر الاجزاء از طریق ابعاد متعدد خود (مناسکی، اعتقادی، عاطفی، شناختی و پیامدی) باید دانست که منجر به تحقق سرمایه اجتماعی می شود و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی به عنوان پدیده ای مؤثر بر سطوح ماهوی و صوری زمینه ایجاد توسعه همه جانبه و پایدار را فراهم می کند. با توجه به چنین هدف و ضرورتی می توان یکسری از راهبردها و راهکارهای جامعه شناختی برای پیوند مستمر این پدیده های مطرح شده در مقاله برای جامعه ایران ذکر کرد، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### ضرورت موضوع

در میان عناصری که در جامعه سرمایه اجتماعی و توسعه همه جانبه را بوجود آورده است دین را نباید نادیده انگاشت. دین از عوامل سازنده کارکردهایی است که سرمایه اجتماعی نیز به نوعی آن ها را داراست. «افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشاء مشارکت باشند مانند حضور فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها، و اماکن مذهبی و زیارتی» (الوانی و همکار، ۱۳۸۰: ۱۳) و حتی به گفته وبر «مذهب می تواند شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری باشد.» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۵۳) علاوه بر این افراد متعددی مانند گرلیلی، وارنر، روف، آمرمان و فوکویاما از دین به عنوان عامل موجد سرمایه اجتماعی یاد کرده اند. در خصوص اسلام پارسنز معتقد است «در اسلام زمینه بروز سرمایه اجتماعی به خاطر جهت گیری مثبت آن به سوی دنیا و نسبت به جامعه و سیاست و تأکید فراوان بر مسئولیت های اجتماعی مومنان به مراتب افزون تر و قدرتمند تر از ادیان دیگر است.» (پارسنز، ۱۳۷۹: ۷۰)

توجه به نکات فوق چنین می نماید که رابطه بین نهادهای اجتماعی دین و شبکه های ارتباطی افراد، توجه جامعه شناسان زیادی را به خود جلب کرده است و پیام هایی را که آن ها برای افراد جامعه ارسال می کنند، نظام هایی را که این پدیده در جامعه بوجود می آورد و شبکه های اجتماعی را که این پدیده در سطح جامعه شکل می دهد، همگی می توانند به عنوان منشاء و مبنایی در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار و پیشرفت همه جانبه عمل کنند.

در این راستا آنچه که مایرز<sup>۱</sup> بیان می کند «دین می تواند به گونه ای محسوس به بهبود کیفیت روابط خانوادگی کمک نماید و به عنوان عاملی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی گام بردارد.» (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۶) ایوانز بر نقش فعالیت ها و مناسک دینی در بهبود کنش های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن ها به یکدیگر تأکید می کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مومنان، دوستان و اعضای خانواده می تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی و اجتماعی تلقی گردد.» (ایوانز و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۶۵-۱۶۲). همچنین کاند لند هم از این امر چشم پوشی نمی کند و معتقد است که «دین از طریق ایجاد شبکه های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هموعان، وظیفه شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می توان مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد و در این جهت دین یک نیروی وحدت بخش است و حتی شاید به توان گفت که خود به عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه قلمداد می شود.» (کاند لند، ۲۰۰۰: ۱۳۱-۱۲۹). به نقل از کتابی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۶)

با توجه به ضرورت چنین تکوینی دین زمانی می تواند پیامدها و کارکردهایی خاصی داشته باشد که همانند دیگر پدیده های اجتماعی در نقطه ای مستقر گردد و عده ای حول خود جمع نماید؛ در این صورت است که به نظر می رسد هم میزان احترام و علاقه پیروان دین به آن افزایش می یابد و هم احکام و دستورات آن دین نقش برجسته تری در جامعه خواهد داشت. بنابراین گلاک و استارک<sup>۲</sup> اذعان می کنند که با وجود تفاوت هایی در ادیان می توان وجوه مشترکی را بین آن ها یافت. این وجوه یا عرصه ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می دهند و عبارت از ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی عاطفی، و فکری که در ذیل به توضیح مختصر هر کدام از آن ها می پردازیم. «الف) بعد اعتقادی یا باور دینی<sup>۳</sup>: عبارت است از ایده ها و نگرش هایی که انتظار می رود پیروان یک دین به آن اعتقاد داشته باشند همانند اعتقاد به خدا، دوزخ و... ب) بعد مناسکی<sup>۴</sup>: عبارت است از اعمال دینی که انتظار می رود پیروان یک دین آن ها را به جا آورند که شامل نماز، روزه و... در مذهب اسلام است. ج) بعد عاطفی یا تجربی<sup>۵</sup> که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین با وجودی ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است. د) بعد فکری یا دانش دینی<sup>۶</sup> که مشتمل بر اطلاعات و دانسته های بنیادی در مورد

<sup>۱</sup> Myers

<sup>۲</sup> Gelak & Estak

<sup>۳</sup> Ideological Believe

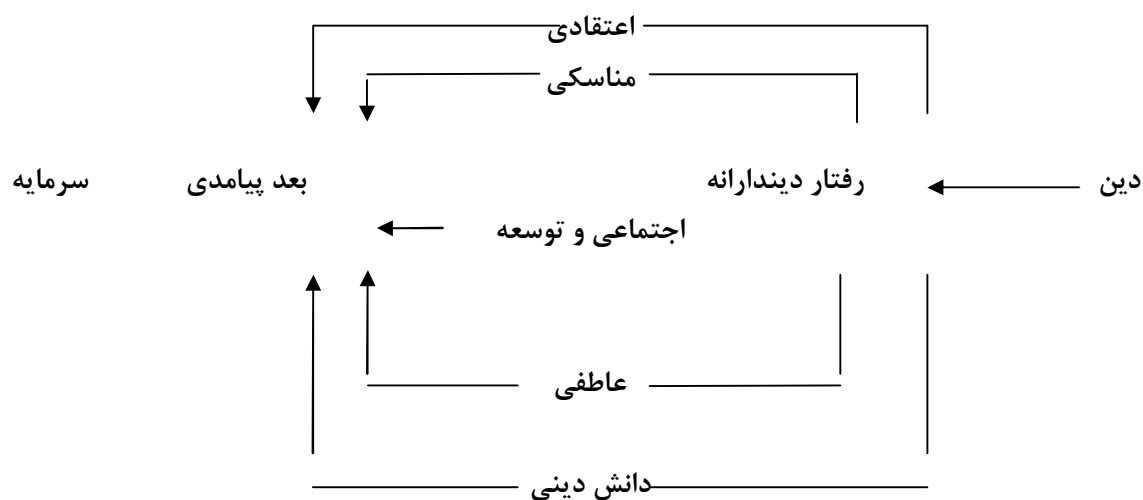
<sup>۴</sup> Ritual

<sup>۵</sup> Experience

<sup>۶</sup> Knowledge

معتقدات هر دین است. (ه) بعد پیامدی یا آثار دینی<sup>۱</sup> که ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است و به عبارت دیگر تاثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره است.» (افشانی، ۱۳۸۰: ۷۹)

با توجه به این ابعاد دینی می توان کارکردها و پیامدهای دین را از بعد جامعه شناختی موثر بر تکوین سرمایه اجتماعی و توسعه همه جانبه در ایران در راستای انسجام بخشی، تسهیل در جامعه پذیری، تعریف ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش های اجتماعی مبتنی بر اعتماد، و صداقت، تثبیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و... دانست؛ و شاید بتوان رابطه دین، سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار را راینگونه بیان کرد که بعد از مشخص نمودن رابطه دین با سرمایه اجتماعی و توسعه این سوال به ذهن متبادر می گردد که دین چگونه می تواند و از چه راههایی می تواند در ایجاد سرمایه اجتماعی و توسعه همه جانبه در یک جامعه موثر واقع شود؟ در پاسخ به این سوال باید بیان کنیم که نهادهای مذهبی می توانند با توسل به سه مجموعه سازوکارها در تکوین سرمایه اجتماعی، توسعه همه جانبه و پیشرفت پایدار جوامع موثر باشد. نمودار زیر بیانگر تاثیر ابعاد متعدد دینداری بر سرمایه اجتماعی و توسعه می باشد.



نمودار ابعاد متعدد دین و تاثیر آن بر توسعه و سرمایه اجتماعی

نهادهای دین بالاخص اسلام این ایده را تبایغ و ترغیب می کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده، خویشاوندان و جامعه امری ستودنی و قابل تحسین و تشویق است. عقاید مسیحی، اسلامی و سایر ادیان در خصوص این فریضه الهی امت ها را ترغیب کرده اند و حتی در کتب آسمانی به این آموزه ها بر پایه موعظه جهت اجرا نمودن در جامعه تأکید بسیار کرده اند، به این منظور که همواره این امر موجب پیوند سالم و قابل اطمینان و اعتماد بین فردی را شکل می دهد.

از سوی دیگر نهاد دین از مکانیزم هایی جهت حمایت افراد در سطح جامعه و خانواده در راستای کمال و سعادت مادی (توسعه) استفاده می کند. « کلیساها، مساجد و دیگر سازمان های مذهبی بیشتر فعالیت های خاصی را برای تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازماندهی می کنند. از یکسو آن ها از طریق حضور در مراکز مذهبی، اوقاتی را باهم می گذارند و از سوی دیگر با ایجاد فضاهای خانوادگی به ارائه کمک های مشورتی، آموزشی، پرورشی و... مبادرت می ورزند. که فرصت های پیوند بین را تقویت می کنند. به نظر می رسد هرچه افراد از طریق حضور در مراکز عبادی، بیشتر در کنش متقابل با همدیگر قرار گیرند، رابطه شان با همدیگر مثبت و گرمتر خواهد گردید.» (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۹)

<sup>۱</sup> Consequence

نهاد دین و مذهب در ایجاد فروبستگی<sup>۱</sup> در رابطه اجتماعی از طریق پیوند دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند است. یعنی اتصال و همبستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه و آنچه که مد نظر است نقش دین در اتصال با سرمایه اجتماعی است. به نظر می رسد اعضای جامعه که در نهادهای مذهبی همانندی مشارکت می کنند، احتمالاً یکسری روابط اجتماعی با سایر اعضای دیگر نهادها پیدا می کنند. که کلمن عنوان می کند که « دین فروبستگی شبکه های اجتماعی روابط والدین و فرزندان را تقویت می کند به طوری که آن روابط اجتماعی را افزایش داده، روابط خویشاوندی مثبت تری را نیز بهبود می بخشد.» (شارع پور، ۱۳۷۹: ۳۹)

با توجه به سه مکانیسم یاد شده در سطور بالا حضور افراد در نهادهای دین باعث خواهد شد که افراد جامعه در معرض فعالیت های اجتماعی قرار گیرند و افراد وارد یکسری از روابط اجتماعی گردد. همچنین اهمیت شخصی افراد به مذهب و عناصر مذهبی است که در نظر برخی از جامعه شناسان و اندیشمندان به (هویت- نقش) تعبیر می شود. بر اساس نظریه ویمبرلی<sup>۲</sup> « هرچه نقش مذهبی بودن شخص در سلسله مراتب هویت- نقش او بالاتر باشد یعنی نقشی که بخش مهمی از هویت یک شخص را معین می کند، این نقش نفوذ بیشتری بر سیار نقش های وی دارد. بر آن هایی که مذهب بخش عمده ای از هویت شان را تشکیل می دهد، عناصر مذهبی می توانند به عنوان یک نظام معنی دار در زندگی روزانه آن ها نقش بازی کنند و پیام هایی که از سوی آن عناصر صادر می گردد، به عنوان راهنمایی در جهت روابط اجتماعی افراد قلمداد می گردد. به عنوان مثال مورگان<sup>۳</sup> دریافت که میزان بالای اهمیت شخصی مذهب، کنش متقابل دوستانه توأم با حس تعاون و همکاری را در افراد ایجاد می کند و کیفیت روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد.» (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

به هر حال به نظر می رسد که مذهب چه از طریق حضور و چه از طریق اهمیت می تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی، و روحیه همکاری و تعاون اجتماعی و... را در افراد ایجاد کند که در ظاهر عناصر فوق از مظاهر و پیامدهای تکوین سرمایه اجتماعی جامعه خواهد بود.

### معرفت دینی و سرمایه اجتماعی

همانطور که بیان شد دین دارای ابعاد گوناگونی است که در سطوح مختلف بر تکوین سرمایه اجتماعی اثرگذار است. در دین اسلام آموزه های متعددی وجود دارد که به تقویت عناصر کمی سرمایه اجتماعی اثر می گذارد، که به اختصار به هر یک از آن ها اشاره می شود.

دین علاوه بر اینکه یک دستگاه معرفتی است، و در کسب شناخت و معرفت افراد جامعه جایگاه ممتازی دارد و افراد جامعه را به کسب آن تشویق و ترغیب می کند. در آیات قرآن مجید، بیش از هر متن مقدس دیگر دینی به این مسئله بهاء داده شده است. در این کتاب مقدس خداوند نشانه های بسیاری را برای مومنان و مسلمانان درباره امکان شناخت، منابع شناخت، ابزار شناخت، و موضوعات شناخت سخن به میان آورده است؛ « تکرار کلیدواژه هایی مانند تدبّر، تفکر، تعقل، برهان، علم، بصیرت، عبرت، و صاحبان علم، در صورت های گوناگون آن، به طور کلی بیانگر اهمیت ارزش علم و دانش در اسلام است. در قرآن بدترین شماتت ها، متوجه کسانی است که با علم و دانش ورزی مخالفت می کنند و بدون هیچ گونه مدارا، با انواع موانع تعقل و آزاد اندیشی مانند تقلید، تعصب، پیروی از ظن و گمان، متابعت از نفس، سنت پرستی، شخص پرستی، و نیاکان پرستی، به شدت مقابله کرده و در مقابل از تمام شیوه های گسترش و تعمیق معرفت و شناخت- مانند پیروی از برهان، حقیقت طلبی، بحث و گفتگو و میدان دادن به تعاطی افکار و اندیشه ها به نکوترین روش ها حمایت نموده است. با توجه به اینکه دین اسلام برای دانش پروری یا تعلیم و تربیت تأکید فراوانی کرده است، ولی دو شرط را برای این دانش پروری بیان می کند که بیانگر پیوند سرمایه اجتماعی و دانش پروری است. « اول اینکه طالب علم باید نگاه ابزاری به علم داشته باشد، نه آلی.

<sup>۱</sup> Closure

<sup>۲</sup> Wimberley

<sup>۳</sup> Morgan

دوم اینکه علم در نهایت، باید نافع به حال مردم باشد، نه مضر به حال آنان و طبیعت. بنابراین اسلام با آموختن دانش هایی که جوامع را به مخاطره می اندازد و زمینه بهره کشی از مظلومان را تشدید می کنند به شدت مخالفت می ورزد. هدف کسب علم در اسلام، پی بردن به عظمت خلقت و وجود خالق هستی و تقویت روح تعبد از یکسو و بهره مند شدن از مواهب طبیعت از سوی دیگر است. چنانکه پیامبر اکرم(ص) نیز این دو هدف را در یک مسیر و مطالبع هر دو منظور را باهم، عملی دانسته اند. زیرا همانگونه که راه نجات مادی و معنوی در آگاهی است، راه هلاکت نیز در جهل و نادانی است.» ( فصیحی، ۱۳۸۶: ۸۷) براین اساس در دین اسلام علاوه بر اینکه انواع شناخت های مفید به حال انسان تأکید گردیده؛ آموختن حداقل قواعد و قوانین مربوط به زندگی فردی و عمومی و از جمله کسب و کار و تعاملات اجتماعی واجب تلقی شده و بدین روی هر قدر، آگاهی افراد از قوانین و هنجارهای صحیح اجتماعی افزایش یابد؛ همان اندازه روابط اجتماعی سالم تری برقرار می گردد و زمینه ناهنجاری های ناشی از جهل انسانی مسدود می گردد.

### اعتماد اجتماعی و دین

اعتماد در جوامع انسانی به نوعی تقسیم کار در میان افراد حاکم بوده در این راستا آنچه که در این ارتباط مهم است این است که کنشگران اجتماعی به صورت آزادانه و به عنوان وظیفه و تکلیف وظایفشان را در قبال یکدیگر انجام می دهند. تحقق چنین وضعیتی در زندگی سالم اجتماعی، در گرو آن است که افراد اعتماد و اطمینان داشته باشند که کنشگران اجتماعی قوانین، هنجارها و حقوق خود و دیگران را محترم تلقی نموده و عدالت و مهرورزی نسبت به یکدیگر را مقدس به حساب می آورند و هر کس خود را در هر وضعیت، در قبال اجتماع، متعهد و مسئول می داند. چیزی که بیش از هر امر دیگر، حق را محترم، عدالت را مقدس، دل ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می سازد. تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی تزریق می نماید، به ارزش های اخلاقی اعتبار می بخشد و همه افراد را مانند اعضای یک اندام هم پیوند داده متحد می کند. در واقع دین و ایمان دینی در تکوین و نهادینه کردن این امور نقش بارزی را ایفاء می کند. به بیان دیگر زندگی اجتماعی بشر بر اساس محترم شمردن پیمان ها، میثاق ها، قرار دادها، و وفای به عهدهاست. علاوه بر اصل ایمان دینی، سازوکارهایی که از طریق آن دین اسلام اعتماد اجتماعی را ایجاد و تقویت می کند و آن را از سایر مکاتب ممتاز می سازد عبارتند از

**الف) اصل وفای به عهد و ادای امانت:** یکی از عوامل مقوم اعتماد اجتماعی در جوامع بالاخص در جامعه ایران امروزه بسیار اهمیت دارد که باید رعایت شود، وفای به عهد است. در واقع خلل در این اصل منجر به اختلال در روابط انسانی و اجتماعی جامعه شده و بنای عظیم جامعه دستخوش فروپاشی می گردد؛ زیرا روابط میان انسان ها به شدت، به قراردادها، پیمان ها، و تعهداتی است که کنشگران اجتماعی نسبت به یکدیگر دارند. در صورتی که کنشگران اجتماعی به قرار دادها و پیمان های خود عمل نکنند ناهنجاری های اجتماعی بروز می نماید. اهمیت این اصل زمانی روشن می گردد که ریشه تمام ارزش های اجتماعی به قرارداد و تعهدات اجتماعی رسمی و غیر رسمی، آگاهانه و ارتکازی برگردانده شود، همچنانکه امور اساسی جهان نوین مانند دموکراسی و تقسیم کار براین اصل استوارند؛ و اگر این اصل نادیده انگاشته شود، مقومات اصل جهان نوین فرو می پاشد. در واقع وفای عهد نوعی پیمان اجتماعی است که سفارش دین بوده و ریشه الهی داشته و به عهد انسان با خدا مرتبط است، از نظر دین شایسته است افراد مسئولیت های اجتماعی و حرفه ای شان را امانت الهی تلقی نمایند و از فرصت های بدست آمده در جهت خدمت به بشر و تقرب الهی حداکثر بهره را ببرند. « بنابراین از نظر اسلام، عمل بر اساس احکام الهی در ارتباط با دیگران و امداد و انفاق به دیگران یکی از مصادیق وفای عهد به بندده صالح است. چه بسا بین یک مصلح اجتماعی و یک نیازمند به کمک هیچ عهد و پیمانی مکنعقد نشده باشد، ولی معتقد به خداوند به خوبی آگاه است که به نسبت به خداوند تعهداتی دارد که انجام آنها ملزم است و می داند که کارکردهایی در زندگی مادی و معنوی خودش نیز دارد.» ( زاهدی اصل، ۱۳۷۱: ۴۵)

**ب) رازداری:** این اصل یکی از مصادیق وفای به عهد در روابط اجتماعی است. مصلح اجتماعی از این رسالت خودآگاه است؛ به دلیل اینکه دیگران به او اعتماد می کنند، او بسیاری از مشکلات و مسائل را محرمانه آن ها علم و آگاهی پیدا خواهد نمود و نیز در جریان تعامل و کمک رسانی به دیگران، نسبت به بسیاری از نکات مخفی زندگی آن ها اطلاع پیدا می نماید. و می داند که اگر آن ها را برملاء نماید برای مردم مشکلات عظیمی به وجود خواهد آورد. بدین روی در متون دینی به افراد دستور داده شده که محرم اسرار دیگران باشند، و این امر به قدری اهمیت دارد که خداوند برای این افراد در سوره بقره آیه ۲۷۱ که چنین ویژگی دارند وعده غفران داده است، و این امر به نوبه خود موجب افزایش اعتماد در جامعه می شود. بنابراین ادعای امانت و پرهیز از خیانت از مصادیق اعتماد و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه است، که به صورت مکرر خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است. (آیه ۸ سوره مومنون، آیه ۳۲ سوره معراج)، رعایت امانت دینی در جامعه شامل قلمرو گسترده ای است که بر این اساس، مناصب و موقعیت هایی که انسان ها در ساختار اجتماعی در اختیار دارند همه امانت الهی به شمار می آیند که نباید در آن ها خیانت کنند. بدین معنا، باید از آن ها به خوبی برای مصالح مردم استفاده نمایند.

**پ) اخلاص و صداقت:** بی ریایی در عمل، اخلاص در نیت و پرهیز از منت در انجام امور زندگی، صداقت در گفتار و پندار و کنش نقش بسیار با اهمیتی در تعاملات اجتماعی زندگی روزمره افراد جامعه دارد. زیرا افراد معتقد به خداوند و برخوردار بودن از ایمان دینی براساس اخلاصی که دارند در تمام عرصه ها در مسیر حل مشکلات اجتماعی دیگران گام بر می دارند و از هرگونه انگیزه اهداف مادی و شخصی و نفاق پرهیز می نمایند، بیش از همه مورد اعتماد دیگران قرار دارند، زیرا اینگونه افراد با صداقت کامل، از حداکثر توان و امکانات مادی و معنوی خود و جامعه در جهت حل مشکل نیازمندان و رفع آن ها بهره می گیرند. این افراد نه تنها در امداد و انفاق بخل نمی ورزند، بلکه تامین نیاز نیازمندان را بر خود و نیازهای شخصی ترجیح می دهند و کلمه ایثار را در عمل معنا می بخشند. «بنابراین اگر در جامعه ای افراد از روی صداقت به تعامل با یکدیگر پردازند بیش از هر جای دیگری در آن اعتماد وجود دارد گرچه دین عامل موجب منحصر به فرد صداقت نیست، ولی در دینی مانند اسلام، که در آن اعتقاد به هدر نرفتن عمل و پاداش گرفتن هر عملی یک اصل است، بیش از هر جای دیگری، امکان ظهور و بروز دارد.» (همان: ۶۶)

**ت) اصل نفی تجاوز:** این اصل در دین اسلام نقش بارزی در تکوین سرمایه اجتماعی و اعتماد جمعی دارد، به این معنا که پیشوایان و رهبران معصوم دین اسلام به عنوان الگوی مرجع دینی دیگران، هیچ گاه در تعاملات خود با دشمنانشان، از حد تجاوز نکرده اند و همواره اصول انسانی را در حق دشمنان خود رعایت نموده اند. هنگامی که رعایت حدود و پرهیز از انجام کنش های غیرانسانی و اخلاقی نسبت به دشمنان جایز نباشد و زنده بودن این اصل در جامعه، همواره اعتماد آفرین است؛ زیرا افراد از انجام هر عمل خلاف مروت انسانی و اخلاقی از سوی دیگران در امان هستند.

**ث) اصل مساوات و عدالت:** از اصول اساسی که در اسلام نقش بارزی در ایجاد اعتماد اجتماعی دارد و بالتبع در تکوین سرمایه اجتماعی باید مورد اهتمام قرار گیرد، اصل مساوات و نفی تبعیض از هر بعدی است. مطابق شریعت اسلام تمام افراد و انسان ها بر حسب هرگونه نژاد، ذات و قومیتی باهم برابرند. بنابراین در دین اسلام هرگونه قشربندی و طبقه بندی اجتماعی مبتنی بر عوامل زیستی به دلیل اینکه زمینه ناخرسندی، ناامنی و ستم را فراهم می آورد مورد قبول نبوده، و تاکید بر مبارزه با این مصادیق را در هر جامعه ای مورد توجه و تاکید مومنان و مسلمانان قرار داده است. علاوه براین هرگونه ستم کشی و بهره کشی انسانی را نفی نموده و بین ماهیت استثمار کار و عدم مشروعیت آن ارتباط و تلازم برقرار نموده است. وجود این اصل در جامعه انسانی و اسلامی باعث این خواهد شد که افراد و مومنان به یکدیگر اعتماد کنندف تعامل خود را افزایش داده زیرا می دانند که کسی مورد استثمار و بهره بردای منفی قرار نمی گیرد، به این دلیل که استثمار دیگران در جامعه اسلامی ممنوع است.

**ج) اصل تقوا و نظم:** این اصل از موثرترین و مهم ترین عوامل ایجاد اعتماد اجتماعی در جامعه اسلامی است. وجود نظم و تقوا در جامعه به عنوان دو مولفه زنده و نیرومند که در اذهان و زندگی مردم نهادینه شده باشد، منجر به این شده کسی

به حق دیگری تعدی نکند؛ و هنجارهای اجتماعی را نقض ننماید. از این طریق می توان نظم و امنیت را در جامعه حفظ نمود و اعتماد را در میان افراد جامعه گسترش داد. «نظم به طور مکرر در وریات مورد سفارش قرار گرفته است. نظم را می توان حالتی از استقرار عناصر و اجزای اجتماع در نظر گرفت که به صورت هماهنگ و مکمل عمل می کنند و با عدم تداخل در کارکرد دیگر اجزاء روند قابل پیش بینی اتفاقات آینده را تسهیل می بخشد. تقوا و نظم موجب می شود جامعه از بی ثباتی و بی پروایی و هرج و مرج در امان بماند و با کم کردن هزینه ها، زمینه افزایش اعتماد را فراهم کند.» (فصیحی، ۱۳۸۶: ۹۰)

اصل مصلحت و خیر در مبادلات و تحصیل سود: امروزه در جامعه ایران بسیاری از ناهنجاری ها، ناامنی ها و احساس مخاطرات و سلب اعتماد در جوامع امروزی ریشه در این دارد که افراد ارزش اشیاء و افعال را در مطلوبیت و تمایلات دیگران می بینند و بدین سان، هر کاری که در جهت خواست ها و تمایلات عموم مردم قرار داشته باشد مشروع تلقی شود و این امر موجب می گردد افراد جامعه از هر طریق ممکن، هر چه را می خواهند دنبال نمایند و این امر سبب بروز ناامنی و انواع هنجارهای در جامعه می شود و ضریب اعتماد را در تعاملات انسانی پایین می آورد. «به همین دلیل نظام اقتصادی اسلام تنها مطلوبیت و کشمکش تمایلات را برای اعتبار مالیت چیزی مشروع شمردن کار افراد کافی نمی داند، بلکه در درجه اول، گردش مال و انتقال آن باید از هر نوع بیهودگی مبرا بوده و حاوی خیر مادی یا معنوی در کار باشد، و گرنه گردش مال باطل است و ممنوع. در درجه دوم اسلام مطابقت با مصلحت را شرط لازم مالیت و مشروعیت کار می شمارد. اسلام با کافی ندانستن وجود تقاضا برای مشروعیت عرضه، چند دسته از فعالیت ها را ممنوع نموده است که در فقه اسلامی، از آنها به مکاسب محرمة تعبیر می شود. مبادله موجب اغراء به جهل و تثبیت نادانی ها، مبادله موجب اضلال و اغفال، اعمال تقویت کننده دشمن، و تحصیل درآمد از طریق امور زیان بار به حال جامعه یا فرد از جمله مهمترین افعالی هستند که در فقه اسلامی انجامشان ممنوع قلمداد شده است، هر چه در انجامشان سود و منفعتی نهفته باشد.» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴۶) با نهادینه شدن این آموزه های در جامعه اسلامی ایران ضریب اعتماد اجتماعی و اطمینان افراد نسبت به همدیگر افزایش یافته و بالتبع سرمایه اجتماعی جامعه در حال تکوین خواهد بود. در واقع وجود این آموزه های دینی جهت تسهیل کنش انسانی هستند، و از طریق اهمیت دادن به این آموزه ها در جامعه به مثابه عامل سازنده، نظام اجتماعی می تواند از آسیب ها و فسادهای اخلاقی و اجتماعی در امان باشد، و از طریق امنیت و اعتماد پایدار در جامعه می توان سرمایه اجتماعی را در جامعه ارتقاء داد.

## مشارکت اجتماعی و دین

اسلام دین اجتماعی است که در اصول فراوانی برای مشارکت مومنان در امور جاری زندگی وجود دارد، توجه به این امور باعث شده که مومنان برای سرنوشت یکدیگر اهتمام ورزند و یکدیگر به گره خوردن به سرنوشت واحد ترغیب و تشویق نمایند. به همین دلیل وجود یکسری از آموزه های دینی و اصول مشارکت دینی که مورد توجه در جامعه اسلامی است و باعث ارتقاء سرمایه اجتماعی جامعه خواهد شد در سطور ذیل به آن اشاره می گردد.

**الف) تعاون و همکاری:** انسان به حکم موجود اجتماعی بودنش باید در جهت تامین آرامش و امنیت خود با دیگران تعامل داشته باشد. همین نیاز به دیگران او را به ترغیب و تشویق به همکاری و تعاون با یکدیگر مجبور می سازد. در دین اسلام، مشارکت و تعاون یکی از آموزه های اصلی است که خداوند در سوره مائده آیه ۲ مومنان را به این اصل اجتماعی دعوت می کند. در واقع در اسلام مشارکت در کارهای نیک و خیر امر شده، ولی مشارکت در اموری همانند ترویج عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه در راستای ارتقای بشری را می توان از اصول اساسی مورد توجه با آموزه های دینی قلمداد کرد، که در عصر حاضر برای پیشرفت همه جانبه جوامع موثر است. اصل تعاون و همکاری باید در راستای انجام کارهای سازنده و مثبت و اقدام عملی در جهت کاهش ناهنجاری های اجتماعی باشد. در واقع رفتار تعاون گرایانه در جامعه اسلامی نیازمند دست کم روح باهم بودن و اعتماد بایکدیگر است و از این رو تعاون چیزی فراتر و بالاتر از همکاری است. تعاون انگیزه ای است که فرد را توشیح و ترغیب می کند تا در فعالیت های روزمره خود را وقف خدمت به دیگران در جهت نیل به اهداف عالی الهی نماید.

این اصل در واقع در مقابل حالت شدید فردگرایی در جوامع نوین، قرار دارد. دین اسلام می تواند نقش بارزی در ایجاد روحیه دیگر خواهی ایفاء نماید و از این طریق سلامت، امنیت و رستگاری را در جامعه به ارمغان آورد.

**ب) مشورت:** این اصل در آموزه های اسلامی به معنای مشارکت دادن دیگران در تصمیم گیری های جمعی در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... می باشد. «؟ برخی معتقدند که تشریح فرضیه مشورت به این معناست که هیچ کس نمی تواند، تمام مسائل فردی اش را به تنهایی حل نماید، پس باید بایکدیگر مشورت کند و نتیجه عمل داشتن ارتباط با دیگران است. و چون آدمی در مسائل فردی اش به مشورت احتیاج دارد، در مسائل اجتماعی، که بسیار پیچیده است، به طور حتم، نیازمند مشورت است. به همین دلیل، برای مشورت با دیگران، باید با آن ها ارتباط داشته باشد و آن ها را در مسائل اجتماعی برانگیزاند. بدین سان، مشورت فرد را به دیگران پیوند می زند و او را به شرکت در مسائل اجتماعی بر می انگیزد و به بیان دیگر مشورت هم مانع فردگرایی و هم مانع استبداد است.» ( اسفندیاری، ۱۳۷۵: ۱۲۸-۱۲۷)

**ج) اصل مسئولیت پذیری:** از دیگر آموزه های مشارکت دینی که در افزایش سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی نقش بارزی دارد، اصل مسئولیت پذیری است. این اصل یکی از اصول بنیادی و اساسی جامعه اسلامی است، اسلام به این اصل در بین مسلمانان نسبت به یکدیگر اهتمام زیادی ورزیده است. در واقع در جامعه اسلامی به این آموزه به عنوان اصل تکافل اجتماعی تعبیر شده است، به این معنا که مسئولیت و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به همدیگر دارند، اداء شود. اصل تکافل اجتماعی در جامعه اسلامی با توجه به آموزه های دینی و فقهی در راستای اصلاح بین مردم، تامین نیازهای دیگران، سود رساندن به دیگران، اصلاح ناهنجاری ها و کاهش آسیب ها، می باشد. در واقع این اصل اسلامی بیانگر این است که دین به عنوان نهاد نظارتی و کنترلی از طریق تقویت ارزش ها و هنجارهای مهم و مسئول دانستن سرنوشت مشترکشان، نقش مهمی در کنترل اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی ایفاء خواهد کرد.

### ارتباطات اجتماعی و دین

از دیگر عناصر اساسی دینی که تاثیر مهمی در تکوین سرمایه اجتماعی دارد، و تا حد بی بدیلی در (تثبیت تعاملات اجتماعی، پایبندی به تعهدات، رعایت حقوق و وظایف اجتماعی، کاهش تنش ها، پیشگیری از اصطکاک ها و تعارضات اجتماعی، جلوگیری از بی نظمی اجتماعی و...) دراد ارتباطات اجتماعی و انسانی دارد.

با توجه به روشن شدن نقش دین در ایجاد ارتباطات اجتماعی، باید اشاره به این کرد که اصول حاکم بر روابط اجتماعی مانند اصل عدالت، رأفت متقابل، احسان، تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی و سلسله مراتبی بودن حقوق و تکالیف، اسلام به بیان راهکارهایی ایجاد و تقویت ارتباط اجتماعی نیز پرداخته است که در قالب عوامل ایجاد ارتباط اجتماعی به بیان آن ها پرداخته می شود.

**الف) همجواری:** این اصل یکی از اصول مهم در ایجاد ارتباط میان افراد می باشد، در آموزه های اسلامی به این اصل سفارش های بسیاری شده است. برخی از توصیه های در این زمینه را می توان در انجام برخی از مناسک معنوی به صورت دسته جمعی ( حج، نماز جماعت، اعیاد، نماز جمعه، و...) مورد تأکید قرار داد، همچنین انجام صله رحم به عنوان نوعی انفاق زبانی، فعلی، قلبی و مالی دارای کارکردهای اجتماعی است. علاوه بر این زیارت مومن از طریق دید و بازدید، ترغیب و توشیق به الفت و دوستی بین مومنان، نمونه های دیگر تاثیر همجواری بر تکوین مشارکت و سرمایه اجتماعی است.

**ب) ابراز عواطف مثبت هنگام تعامل بایکدیگر:** این اصل یکی از اصول اساسی در آموزه های اسلامی در راستای تحکیم و تشدید روابط قلبی است در واقع از طریق گشاده رویی، احترام گذاشتن به یکدیگر، هدیه دادن می توان این آموزه را تقویت نمود.

**ت) صفات برجسته فردی:** بخش دیگری از عواملی که در ارتباط با دیگران نقش مهمی دارد؛ و افراد تمایل دارند با دیگرانی ارتباط داشته باشند که بیش از دیگران شایسته تر و لایق تر باشد، به همین منظور اسلام ایجاد عوامل و یا زمینه های



ارتباط، علاوه بر ایمان و عمل صالح، سفارش هایی را مطرح نموده که داشتن حُسن خلق، تواضع و... نمونه هایی از این صفات می باشد.

## نتیجه گیری

پیوند سرمایه اجتماعی با دین به عنوان نوعی ثروت و دارایی اجتماعی نهفته تلقی می شود که منجر به آمادگی روحی - روانی افراد یک جامعه برای صرف نظر کردن از منافع شخصی و درگیر شدن در عمل جمعی خواهد شد. در واقع سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه است که به صورت بالقوه و بالفعل می توان از طریق دین آن را احیاء کرد و یا استمرار بخشید. در واقع دین از طریق آموزه ها و اصول (معرفتی، اعتقادی، عاطفی و مناسکی) در قالب تحقق آرمان های مشترک، وفاق، انسجام اجتماعی، اعتماد، صداقت، احترام متقابل، رعایت ارزش ها، استمرار هنجارها، بازیابی اصول اخلاقی، و... به پویایی جامعه کمک می کند. در واقع مذهب در قالب شکل ناب و پویای آن نیز به عنوان نیرویی تلقی می شود که در راستای سرمایه اجتماعی نیز منجر به می شود، به عبارت دیگر با توجه به وجود ارتباط بین مذهب و سرمایه اجتماعی بتوان این اصل را تدوین نمود که هرچه افراد مذهبی تر باشند به همان نسبت سرمایه اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت. البته شایان ذکر است که این آموزه ها منحصر به دین نیستند، ولی وقتی دین آن ها را مورد اهتمام و تاکید قرار می دهد رغبت و میل بیشتری در انجام آن ها میان مردم جامعه بوجود خواهد آمد، بنابراین، بازهم نقش دین را نباید به فراموشی سپرد. با توجه به نقش دین در ایجاد سرمایه اجتماعی به مثابه ملات ساختمان جامعه نوین نظریه عرفی شدن و بی نیازی جوامع از دین و راندن آن از زیست جهان جمعی به تاریخ خانه فردی به بهانه بی کارکرد شدن و یا کارکرد نداشتن آن به چالش کشیده می شود.

## راهبردها

- اهتمام ویژه فرایند مستمر جامعه پذیری آموزه های دینی سرمایه اجتماعی در جامعه.
- بسط آموزه های اسلامی سرمایه اجتماعی از طریق تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم.
- تاکید بر روحیه (انضباط بخشی، حیات بخشی و انسجام بخشی) اعضای جامعه از طریق آموزه های اسلامی سرمایه اجتماعی.
- هدایت جامعه به سمت پیوند (معرفتی، اعتقادی، مناسکی و عاطفی) ابعاد دینی سرمایه اجتماعی.
- ارتقاء کیفیت زندگی مادی و معنوی شهروندان جامعه از طریق آموزه های اسلامی سرمایه اجتماعی.
- توسعه تبلیغات و اقناع جامعه از طریق آموزه های دینی سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره.
- ارتباط مستقیم نهادهای دولتی و حکومتی جامعه اسلامی در راستای پیوند نهادینه نمودن پیوند سرمایه اجتماعی و دین.
- نهادینه نمودن آموزه های اسلامی سرمایه اجتماعی در بین اعضاء خانواده ایران و شبکه های اجتماعی جامعه.
- ایجاد بسترهای لازم جهت فروبستگی دینی روابط انسانی و اجتماعی اعضای جامعه.
- ارتقاء سواد رسانه ای و بصری آموزه های سرمایه اجتماعی اسلام در بین نسل های مختلف جامعه.
- تثبیت هویت های دینی اقوام ایرانی در جهت آموزه های سرمایه اجتماعی.
- افزایش حس اعتماد، پیوند، همبستگی اجتماعی، تعاون و همکاری بین اعضای جامعه.
- اهتمام به علم و دانش پروری آموزه های اسلامی سرمایه اجتماعی.
- پیشگیری از هرگونه رفتارهای مخرب آموزه های دینی سرمایه اجتماعی در سطح جامعه.

## مراجع

اسفندیاری، محمد، (۱۳۷۵) بعد اجتماعی اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات خرم.

